

اردوگاه پرورشی اسلامی یا اعتکاف

حجة الاسلام دکتر سیدرضا موسوی

ضمن عرض تبریک ایام با برکت ماه رجب و شعبان و رمضان این
مقال را به محرمان خلوت انس با خداوند مهربان تقدیم می‌کنیم.

کلیه حقوق این اثر متعلق به دفتر نشر دانش شرقی است، و تکثیر آن
منوط به اجازه کتبی ناشر است.

نشانی:

مشهد ، خیابان هفده شهریور، خیابان ۳۵ متری دانش شرقی، پلاک ۴۹ ،
دفتر نشر دانش شرقی. تلفن: ۰۵۱۱ - ۳۴۱۵۷۴۱ | ۰۹۱۵۱۲۲۱۱۵۹

<http://www.um.ac.ir/~mosavi-r>

فهرست محتویات

۳.....	اعتکاف یعنی چه؟
۴.....	مشروعیت اعتکاف و اقسام آن
۶.....	افرادی که از شرکت در اردوگاه معافند
۷.....	دوره اعتکاف یا زمان برگزاری اردو
۱۰.....	مسجد جامع اردوگاه معتکفان
۱۴.....	مقررات انضباطی
۱۸.....	شرائط ورود به اردوگاه یا صحت اعتکاف
۲۲.....	مقررات تنبیهی یا مبطلات اعتکاف
۲۷.....	حکمت‌های احکام اعتکاف
۳۵.....	کتابنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ... وَلَا تَبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ. (بقره ۱۸۷/)

وگر معتکف در مساجد شوید مبادا که نزدیک آنها روید
چنین است احکام یکتا خدا تخلف در آن نیست هرگز روا
خداوند آیات خود را بیان نماید به مردم بدینسان عیان
بود آنکه گردید، پرهیزگار در این ره گذارید گام استوار
(مجد ، قرآن مجید با ترجمه منظوم ، ص ۲۹)

اعتکاف یعنی چه ؟

واژه اعتکاف عربی می باشد و هم خانواده با عکوف (درنگ کردن) عاکف (مقیم) معکوف (بازداشت شده) و عکیف (اعتکاف کننده) معتکف (جایگاه اعتکاف) مصدر باب افتعال می باشد. که در اصل به معنای احتباس و خود را بازداشتن و اقامت و درنگ کردن طولانی در چیز است.

در اصطلاح شریعت اقامت در مسجد به قصد عبادت است. چنانکه فقیهان در تعریف آن گفته اند: «ملازمة طاعة مخصوصة فی وقت مخصوص علی شرط مخصوص فی موضع مخصوص.» (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۳۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۷، صص ۱۵۹-۱۶۰) اعتکاف پایبندی به بندگی و فرمانبری ویژه در زمان و مکان ویژه با شرایط ویژه است. برخی آنرا «اللبث فی المسجد لقصد القربة.» (مشهدی کنز الدقائق، ج ۱، ص ۲۵۵؛ طباطبائی، العروه الوثقی، ج ۳، ص ۶۶۷. الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۵۰) درنگ کردن در مسجد با نیت قرب معنوی

به خدا تعریف نموده اند. چنانکه شاعر پارسی گوی سروده است :

هرکس به زبانی سخن از وصف تو گوید بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه
که معتکف دیرم و گه ساکن مسجد یعنی که ترا می طلبم خانه به خانه

مشتقات کلمه «عکف» ۹ بار در آیات قرآن کریم تکرار شده است. و در بیشتر آنها به معنای سکونت به قصد تعظیم و ملازمت و پایبندی به چیزی خوب یا بد، همراه با بزرگداشت آن بکار رفته است. مانند آیات: ... فَأَتَوْا عَلَيَّ قَوْمًا يَعْكِفُونَ عَلَيَّ أُصْنَامًا لَهُمْ... (اعراف / ۱۳۸) پس به گروهی که به پرستش بت‌های خود پایبند بودند برخوردند. ... وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ... (حج / ۲۵) و مسجد الحرام که آنرا برای عموم مردم قرار دادیم که در معافیت از اجرت سکونت آن شهروندان و بادیه نشینان برابرند.

... مَا هَذِهِ التَّمَائِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (انبیاء / ۵۲) این مجسمه‌ها چیستند که شما در برابر آنها کرنش و پرستش می‌کنید. قَالُوا لَنْ نُبْرِحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ. (طه / ۹۱) گفتند ما پیوسته گوساله سامری را می‌پرستیم و از او جدا نمی‌شویم تا موسی (ع) به سوی ما باز گردد.

امام علی (ع) نیز در " نهج البلاغه " به همین معنای لغوی اشاره فرمود: «اعلموا رحمکم الله انکم فی زمان القائل فیہ بالحق قلیل و اللسان عن الصدق کلیل و اللزام للحق ذلیل ، اهلہ معتکفون علی العصیان و مصطلحون علی الادهان» (الصالح ، صبحی ، نهج البلاغه ، ص ۳۵۴ خطبه ۲۳۳) خدای شما را رحمت کند! بدانید در زمانی بسر می‌برید که حقگو کم است و زبان از راستگوئی ناتوان است و پایبندان به حق خوارند مردمش در بند گناهند و سازگار با چرب زبانی.

مشروعیت اعتکاف و اقسام آن

با توجه به ظهور آیه : ... وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ... (بقره / ۱۸۷) و نیز: ...وَعَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ. (بقره / ۱۲۵) و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که خانه مرا

برای طواف کنندگان و معتکفان و نمازگزاران پاک نمائید. اصل مشروعیت اعتکاف در مساجد، یا درنگ کردن در خانه خدا و در بند بندگی قرار دادن خویشتن، و استحباب این عمل عبادی برای زنان و مردان مکلف، در میان فقیهان مسلمان اجماعی است.

افزون بر این، آیه اخیر که به پیشینه تاریخی اعتکاف از زمان حضرت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) اشاره دارد، چون این دو پیامبر بزرگ الهی مأموریت یافتند تا برای عبادت طائفان، عاکفان، راکعان و ساجدان تطهیر و آماده سازند، بلکه از روایات استفاده می شود که در زمان جاهلیت، در عربستان نیز اعتکاف نذری بدون روزه رواج داشته است. چنانکه در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه آمده: «و لقد کان یجاور فی کل سنة بحراء فراه و لایراه غیری» پیامبر (ص) پیش از اسلام همه ساله در غار حراء [در ارتفاع ۱۶۰ متری جبل النور واقع در ۱۰ کیلومتری شمال مکه] برای انس و مناجات با خدا خلوت می گزید، که من او را می دیدم و جز من کسی از او حضرت خبر نداشت.

همچنین وقتی عمر بن خطاب از حکم بجا آوردن اعتکاف نذری خود در جاهلیت از حضرت محمد (ص) پرسید پیامبر (ص) در پاسخ او فرمود: «اعتکف و صم» اعتکاف کن و روزه بگیر! و با این تعبیر اصل اعتکاف همراه با روزه داری را امضاء فرمود. (خزائلی، احکام قرآن، ص ۴۱۷؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۲، ص ۳۴۴؛ صحیح بخاری، ج ۳، ص ۶۶، با اندکی تغییر).

از این رو می توان گفت با توجه به قاعده اشتراک در تکلیف و اصل عدم نسخ احکام شریعت سابق و حجت بودن سنت قولی و عملی و تقریری پیامبر اسلام (ص) و خاندان معصومش، اصل مشروعیت این مراسم عبادی ضروری فقه تلقی می گردد. اگر چه در کمیت و کیفیت و

احکام آن در بین مذاهب اسلامی اختلاف نظر وجود دارد. ولی به اتفاق آراء، عمل عبادی اعتکاف یا ماندن در مسجد به قصد تعبد به اصل شرع بر مسلمان بالغ، عاقل، قادر و هوشیار مستحب است، و با نذر و عهد و سوگند شرعی، و امر مولا و ولی شرعی نظیر پدر و شرط ضمن عقد شرعی و استیجار و نیابت از میت، واجب می شود.

بنابراین اعتکاف در شریعت خاتم پیامبران(ص) به دو قسم واجب و مستحب واجب نیز به موقت معین، واجب موسع دسته بندی شده است. (الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۵۰؛ طباطبائی یزدی، عروه الوثقی، ج ۳، ص ۶۶۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۹۰)

افرادی که از شرکت در اردوگاه معافند

طبق مقررات اسلامی کسانی می توانند در این اردوگاه پرورشی حاضر شوند که آمادگی جسمی و روانی لازم را داشته باشند و از نظر شرعی شرکت در اعتکاف بدون اذن ولی شرعی معتکف و یا والدین و در حالت جنابت و نیز زنان در حال حیض و نفاس، و بدون اذن و منع شوهر، حرام و ممنوع می باشد؛ و برای ناتوانان و بیماران سخت و مسافران شرعی و نیز مادرانی که در آستانه زایمان به سر می برند و یا به کودکان شیر می دهند، مکروه خواهد بود. گرچه کودکان نا بالغ هم نیز از شرکت در این اردوگاه معافند ولی اگر برای آنان زیان بار نباشد، می توانند با اجازه پدر و مادر خود بصورت مهمان در این اردوگاه تربیتی شرکت نمایند.

مستند این احکام فقهی افزون بر ظاهر آیات مزبور، اجماع عامه و خاصه؛ اخبار مستفیضه فریقین است که پیامبر (ص) از سال دوم هجرت تا پایان عمر علیرغم گرفتاریهای فراوانی که داشتند همه ساله در دهه

آخر ماه مبارک رمضان معتکف می شد و مسلمانان را به انجام آن امر می فرمود: چنانکه امام صادق (ع) فرمود: «کان رسول الله (ص) اذا کان العشر الا و اخر اعتکف فی المسجد و ضربت له قبة من شعر و شمّر المنزر و طوی فراشه.» (کلینی، الفروع من الکافی، ج ۱، ص ۲۱۱؛ صدوق، من لایحضر، ج ۱، ص ۶۵، حر عاملی، وسائل، ج ۷، ص ۳۹۷، ۴۰۵؛ شیخ طوسی، تهذیب، ج ۴ ص ۲۸۷) پیامبر خدا (ص) پیوسته در دهه آخر در مسجد معتکف می شد و چادری از گلیم برای او سرا پا می شد و دامن همت برای عبادت به کمر می زد و بسترش را در هم می پیچید. عایشه نیز می گوید: «ان النبی (ص) کان یعتکف العشر الا و اخر من رمضان حتی تو فاه الله عز و جل ثم اعتکف ازواجه من بعده.» (نووی، ریاض الصالحین، ص ۳۳۶ ش ۱۲۶۷؛ صحیح بخاری ج ۳ ص ۶۲؛ صحیح مسلم، ج ۸ ص ۶۸) همانا پیامبر (ص) در دهه آخر رمضان معتکف می شد تا خدای برتر و باشکوه جانش را ستاند، سپس بعد از آن حضرت، همسرانش معتکف می شدند.

دوره اعتکاف یا زمان برگزاری اردو

اعتکاف و ماندن به نیت عبادت در مسجد به اتفاق مذاهب در تمام ایام سال، جز روزهایی که روزه گرفتن در آن حرام است، مانند عید فطر و قربان، جائز است و در اینکه حداکثر زمان اعتکاف حد و مرز ندارد نیز اجماعی است، اما در مورد حداقل مدت اقامت در اردوگاه و کمترین دوره اعتکاف چه مقدار از زمان است، میان فقیهان عامه و خاصه اختلاف نظر وجود دارد.

از دیدگاه امامیان اعتکاف در هر زمان که روزه گرفتن در آن جایز باشد صحیح است و بهترین اوقات آن دهه آخر رمضان المبارک و در ایام البیض (۱۳-۱۵) ماه رجب نیز تأکید شده است.

حنیفیان و حنبلیان و شافعیان تعیین حداقل زمان را در اختیار معتکفان می دانند و به فتوای ایشان مدت اعتکاف می تواند لحظه ای حتی به اندازه گفتن ذکر سبحان الله باشد؛ و بر این باورند که اگر شخصی در انتظار نماز جماعت یا هر کار دیگر دینی و یا دنیوی در مسجد بسر برد و نیت اعتکاف بنماید، ثواب معتکف را می برد. و لی مالکیان دست کم یکشنبه روز توقف در مسجد را شرط صحت اعتکاف می دانند، و کمتر از ده روز و بیش از یکماه را مکروه می دانند. (صحیح مسلم بشرح النووی ج ۸ ص ۶۷؛ الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۵۵۱ - ۵۵۶؛ الجزائری، قلائد الدرر ج ۱ ص ۳۷۲ - ۳۷۴).

اما امامیان اقل دوره اعتکاف را سه روز و دو شب می دانند و صاحب جواهر بر این فتوا ادعای اجماع فرمود، و نیز فقیهان مذهب جعفری بر این نظر متفقند که روز سوم هر دوره سه روزه، روزه داری واجب می شود. یعنی اگر کسی روز دوم و یا پنجم یا هشتم اعتکاف مستحبی خود را تا وقت افطار به پایان برد، سومین روز هر دوره دو یا پنج یا هشت روزه معتکف، هر چند بار که تکرار شود، تبدیل به واجب می شود و ادامه اعتکاف روز سوم همراه با روزه بر معتکف در ماه رمضان و غیره واجب می شود، اگر چه در اصل مستحب باشد. (نجفی، جواهر الکلام ج ۱۷ ص ۱۶۴-۱۶۸؛ طباطبائی یزدی، عروه الوثقی ج ۳، ص ۶۷۱) دلیل ایشان افزون بر اجماع محصل و منقول روایات اهل بیت (ع) می باشد، که به عنوان نمونه دو حدیث یاد آوری می شود:

۱- موثقه عمر بن یزید که امام صادق (ع) فرمود: «اذا اعتكف العبد فليصم و قال لا يكون اعتكاف اقل من ثلاثة ايام و اشترط على ربك في اعتكافك كما يشترط في احرامك ان ذالك في اعتكافك عند عارض ان عرض لك من علة تنزل بك من امر الله.» (شیخ طوسی ، تهذیب ج ۴ ص ۲۱۹ ش ۸۷۸ ؛ حر عاملی ، وسائل ج ۴ ص ۴۰۵) هرگاه بنده ای اعتکاف نماید پس باید روزه گیرد. و فرمود: اعتکاف کمتر از سه روز نمی باشد و به هنگام نیت اعتکاف، با پروردگارت همانند هنگام احرام بستن شرط کن که اگر عارضه ای پیش آمد بتوانی محل شوی (از حالت اعتکاف بیرون آیی) و با اینکار امر خدا بر تو سبک می شود و می توانی در صورت بروز عرضی از حالت اعتکاف پیش از پایان دوره بیرون آیی.

۲- محمد بن مسلم از امام محمد باقر (ع) روایت نمود که فرمود: «اذا اعتكف يوما و ان لم يكن اشترط فله ان يخرج و يفسخ اعتكافه ، و ان اقام يومين و لم يكن اشترط فليس له ان يخرج و يفسخ اعتكافه حتى تمضي ثلاثة ايام.» (شیخ طوسی ، تهذیب ج ۴ ص ۲۱۹ ش ۸۷۸ ؛ حر عاملی ، وسائل ج ۴ ص ۴۰۵) هرگاه شخصی یک روز معتکف شود و به هنگام نیت شرط خروج از اعتکاف بخاطر بروز رویدادی نکرده باشد. حق دارد اعتکافش را به هم زند و اگر دو روز در معتکف اقامت نمود، یا شرط نکرده بود، دیگر حق ندارد از حالت اعتکاف بیرون آید تا سه روزش به پایان رسد.

بنابراین حدیث، اعتکاف یا واجب است و یا مستحب ، و اگر واجب معین به روزهای خاص باشد ، با شروع اعتکاف رجوع و عدول از آن تا پایان زمان تعیین شده، بدون اشتراط به هنگام نیت مشروع نیست. ولی رجوع و قطع اعتکاف مستحبی تنها پیش از اكمال یومین در هر دوره سه روزه، و

نیز در اعتکاف واجب موسع به نظر مشهور امامیه جایز است اما پس از اتمام دو روز نخست ، دیگر تکمیل روز سوم اعتکاف واجب است .

یادآوری می شود که در عمل برادران اهل سنت به استناد روایت سکونی بیشتر در ماه مبارک رمضان و شیعیان در ماه رجب المرجب مراسم معنوی با شکوه اعتکاف را برگزار می نمایند. اما به اتفاق آرای مذاهب پنجگانه اسلامی با فضیلت ترین وقت اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان است. چنانکه در حدیث نبوی آمده: «اعتکاف العشر الا و اخر من شهر رمضان يعدل حجتین و عمرتین.» (مجلسی ، بحار الانوار، ج ۹۷ ص ۳۰ صدوق، من لایحضره ، ج ۱ ص ۶۶ ؛ حرعاملی ، وسائل ج ۴ ص ۳۹۷؛ قاضی نعمان ، دعائم الاسلام ج ۱ ص ۲۸۶ ؛ نوادر الراوندی، ص ۴۷.)

اعتکاف در دهه آخر ماه مبارک رمضان برابر دو حج و دو عمره است . افزون بر این معتکف از فضیلت سهای قدر نیز برخوردار می شود، که احتمالش در دهه آخر رمضان بیشتر است. چنانکه عایشه گوید: «پیامبر خدا(ص) در دهه آخر رمضان بیش از دیگر ایام در پرستش خدا تلاش و کوشش می فرمود.» (صحیح مسلم، کتاب الاعتکاف، ح ۸)

همچنین در فقه الرضا (ع) آمده : چون جنگ بدر در ماه رمضان بود پیامبر (ص) نتوانست معتکف شود ولی حضرت در سال بعد دو دهه آخر رمضان را معتکف شد یک دهه بمناسبت همان سال و دهه دیگر را به عنوان قضای سال گذشته ، که فضیلت اعتکاف را درک نکرده بود. (مجلسی، بحار، ج ۹۷ ، ص ۱۲۸)

مسجد جامع اردوگاه معتکفان

مسجد در اسلام یک نهاد مقدس برای انجام مراسم عبادی، و یک مرکز بزرگ اجتماعی برای مشورت و تصمیم گیری، و پایگاه

آموزشی، پرورشی، خدماتی و فرهنگی بوده و خواهد بود. که در آیه ۱۰۸ سوره توبه آمده است: ... لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَيَّ التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ. همانا مسجدی که در نخستین روز بر پایه تقوی و پرهیزگاری بنیان گذاری شده، سزاوارتر است که در آن اقامت گزینی، در آن راد مردانی هستند که مشتاق پاکی اند و خداوند پاکیزگان پاک باطن را دوست دارد.

از این رو تمامی فقیهان مسلمان حضور و استمرار لبث (ماندن) معتکفان مرد را به هر صورت اگرچه سواره باشد، در فضای عمومی یک مسجد، از مناره و محراب گرفته تا محوطه و سرداب و بام آن، از شرایط صحت اعتکاف دانسته اند.

اگرچه فقیهان اعتکاف در مساجد مقدس سه گانه ویژه: مسجد الاقصی، مسجد الحرام، و مسجد النبی مدینه را باتفاق آراء بهتر و افضل می دانند. ولی در تعیین نوع خاص یا عام بودن مسجد اختلاف نظر وجود دارد.

شافعیان با توجه به ظهور آیه: ... وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ... (بقره / ۱۸۷) اعتکاف و درنگ برای عبادت در عموم مسجدها را برای زنان و مردان مجاز می دانند، اگرچه مسجد جامع و عمومی نباشد. و فتوای قدیم شافعی صحت اعتکاف زن در نماز خانه بود.

حنبلیان نیز می گویند اعتکاف در هر مسجدی که در آن اقامه نماز جماعت شود گرچه به وسیله خود معتکفان، صحیح خواهد بود. حنفیان بر این باورند در هر مسجد جامع که مؤذن و پیشنماز داشته باشد اعتکاف صحیح است، چه پنج وقت نماز در آن اقامه شود یا نشود و اعتکاف زن را در نمازخانه منزلش نیز صحیح می دانند.

ولی مالکیان می گویند اعتکاف تنها در مسجدی که مردم در آن برای اقامه نماز جماعت یومیه، جمع می شوند، یا نماز جمعه در آن خوانده شود، درست است. بنابراین اعتکاف در درون کعبه، آرامگاه ولی خدا و نمازخانه، اگر چه معتکف زن باشد صحیح نیست. (الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۵۵۱؛ ابوحیب، سعدي موسوعه الاجماع ج ۱ ص ۳۲۹. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن ج ۲ ص ۳۱۲؛ آلوسی، روح المعانی ج ۲ ص ۶۸؛ زمخشری، الکشاف ج ۱ ص ۱۷۶)

اما امامیان اکثر متقدمان نظیر شیخ طوسی، سید مرتضی و ابن زهره و دیگران اقامت کردن در یکی از مساجد اربعه: مسجد الحرام در مکه، مسجد الرسول در مدینه و مسجد جامع کوفه و مسجد بصره در عراق را شرط صحت اعتکاف دانسته اند، و علی بن بابویه مسجد جامع مداین را جایگزین مسجد بصره کرده است. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۱؛ مجلسی، مراه العقول، ج ۳، ص ۲۴۶) و ضابطه این بزرگان مسجد اعظمی است که معصوم در آن اقامه جمعه یا دست کم نماز جماعت کرده باشد و مستند آنان در این فتوا سخن امام علی (ع) است که فرمود: «لا اری الا عتکاف الا فی المسجد الحرام اوفی مسجد الرسول صلی الله علیه و آله اوفی مسجد جامع و لا ینبغی للمعتکف ان یرجع من المسجد الا لحاجة لابد منها ثم لا یجلس حتی یرجع، و المرأة مثل ذالک.» (شیخ طوسی، تهذیب ج ۴ ص ۲۹۱؛ همان ص ۲۹۰) من اعتکاف را جز در مسجد الحرام و مسجد نبوی یا در مسجد جامع نمی دانم و سزاوار نیست که معتکف از مسجد بیرون رود جز برای نیاز ضروری و اگر بیرون رفت از پا نمی نشیند. تا برگردد و زنان نیز حکمشان این چنین است.

نیز حدیث امام صادق (ع) که فرمود: «لا اعتکاف الا فی مسجد جماعة قد صلی فیہ امام عدل صلاة جماعة و لا باس ان یعتکف فی مسجد الکوفه و مسجد

المدينة و مسجد مكة.» (نجفی ، جواهر الكلام ج ۱۷ ص ۱۷۰ - ۱۷۵ ؛ طباطبائی یزدی ، عروه الوثقی ج ۳ ص ۶۸۲ - ۶۸۴ ؛ جزائری ، احمد ، قلائد الدرر، ج ۱، ص ۳۷۳ - ۳۷۴) اعتکاف جز در مسجدی که امام عادل در آن نماز جماعت خوانده است وجود ندارد و اشکالی ندارد که شخص در مسجد کوفه و مسجد مدینه و مسجد مکه اعتکاف نماید .

ولی شیخ مفید و محقق حلی در معتبر و شهیدین و صاحب مدارک و صاحب جواهر و بسیاری از متأخران اعتکاف در عموم مساجد جامع شهرها را صحیح می دانند.

اما در مسجد ویژه اجتماع خاص قبیله و بازاریان و مانند آن جایز نمی دانند و زنان و مردان را در این حکم برابر می دانند و روایات فوق را که باظاهر آیه یاد شده ناسازگار به نظر می آید، چون المساجد جمع محلی بالف و لام است و دال بر عموم است، حمل بر نفی کمال نموده و به همین دلیل اعتکاف در مساجد چهار گانه فوق را افضل می دانند و با توجه به قاعده اشتراک در تکلیف و نص موجود در روایت علوی: والمرأة مثل ذالک. به جواز اعتکاف زن در مساجد جامع فتوی داده اند و به عقیده مشهور امامیه حتی اگر زن در خانه نمازخانه ویژه داشته باشد، اعتکاف در آنجا نیز جایز نیست و امام خمینی (ره) اعتکاف در مساجد اربعه را به احتیاط نزدیکتر می داند. و به عقیده صاحب جواهر جامع بودن مسجد با بینه شرعی و شیاع و حکم حاکم شرع و نیز اخبار عدل واحد ثقة اثبات می شود. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۵؛ نجفی، همان، ص ۱۷۴)

مقررات انضباطی

با مرور در منابع فقهی معلوم می شود ، که امامیان در جواز و عدم جواز صرفنظر از ادامه اعتکاف چهار نظر ابراز نموده اند:

۱- شیخ طوسی و ابوالصلاح حلبی و ابن زهره رجوع از اعتکاف را به نحو کلی مطلق و جائز نمی دانند.

۲- سید مرتضی و علامه و محقق حلی قائل به جواز رجوع و قطع اعتکاف به کلی می باشند. اگر چه در نیت اشتراط نشده باشد.

۳- ابن حمزه می فرماید : اگر معتکف شرط خروج کرده باشد در هر صورت خروج از حال اعتکاف جایز است ولی اگر اشتراط نشده باشد پیش از اتمام روزه دو روزه باشد روا و پس اكمال یومین رجوع حرام است .

۴- به فتوای صاحب حدائق و صاحب عروه و بسیاری از معاصران با اشتراط و پیش از اكمال یومین در واجب موسع و مندوب رواست ، اما پس از اتمام دو روز به ویژه در اعتکاف واجب موسع احوط استحبابی اتمام آنست. (نجفی ، جواهر اللکلام، ج ۱۷ ص ۱۹۰ - ۱۹۹ ؛ طباطبائی ، یزدی ، محمد ، عروه الوثقی ج ۳ ص ۶۷۷ - ۶۹۱ - ۶۹۳ ؛ طباطبائی ، تفسیر آیات الاحکام ج ۱ ص ۳۴۸) و خروج از معتکف حتی برای اقامه نماز جز در سرزمین مکه روا نیست .

چنانکه امام صادق (ع) فرمود: «لا یصلی المعتکف فی بیت غیر المسجد الذی اعتکف فیه ، الا بمکه فانه یعتکف بمکه حیث شاء لانها کلها حرم الله و لا یرجعت المعتکف من المسجد الا فی حاجة.» (شیخ طوسی ، تهذیب ، ج ۴ ص ۲۹۳) معتکف در چهار دیواری دیگری جز مسجدی که در آن اعتکاف کرده است نماز نخواند، مگر در مکه زیرا او هر جا که بخواهد در مکه

معتکف می شود چون تمامی آن حرم و بست پناهندگی به خداست و معتکف از مسجد بیرون نرود و مگر نیاز شدید داشته باشد .

بنابراین خروج اضطراری از محل اعتکاف به شرطیکه معتکف در حال اختیار زیر سایه ننشیند و راه نرود، و به گونه ای نباشد که عرفاً صورت اعتکاف را به هم زدند مانعی ندارد و گرنه موجب بطلان اعتکاف می‌گردد و به نظر امامیه تفاوتی میان اعتکاف مستحب و واجب و ضرورت شرعی نظیر ادای دین و شهادت [چون حق آدمی یا مشترک مقدم بر حق الهی اعتکاف است] و غسل واجب، مانند: جنابت، حیض، نفاس و استحاضه، و یا نیاز لازم عقلی مانند: خطر ریزش دیوار مسجد و یا عادی و طبیعی مانند: قضای حاجت و درمان در این حکم وجود ندارد. و موضوع استمرار اقامت و درنگ در معتکف یا آسایشگاه اردوگاه نیز با نظر عرف محقق می شود و هر نوع ساکن بودن در مسجد جامع، از اعم نشستن، خوابیدن، راه رفتن و نماز و دعا خواندن و مانند اینها کفایت می‌کند. (نجفی، جواهر الکلام ج ۱۷ ص ۱۷۹ - ۱۸۷؛ طباطبائی یزدی، عروه الوثقی ج ۳ ص ۶۹۰) و بیرون رفتن اختیاری از معتکف با عذر و بدون عذر، اگر زمانش طولانی باشد، موجب افساد اعتکاف واجب و قضای آن در زمان دیگر است.

ولی در میان فقهای مذاهب اربعه در مساله خروج از معتکف اختلاف نظریه شرح ذیل می باشد:

۱- شافعیان می گویند: اگر اعتکاف مستحبی و یا واجب نذری مطلق و یا نذر مقید به مدت بدون شرط پیوستگی ایام باشد، خروج بدون عذر از معتکف جایز است و با بیرون رفتن عمدی شخص تنها اعتکافش منقطع می شود و به هنگام بازگشت باید تجدید نیت کند. اما اگر اعتکاف واجب و

مشروط به تتابع باشد خروج بدون عذر شرعی یا عقلی و عرفی مبطل اعتکاف است. ولی اگر معذور باشد اعتکاف باطل نمی شود.

بنابراین به فتوای شافعی اعتکاف تنها با ارتکاب عمدی و عالمانه مفسد از روی اختیار باطل می شود. پس اگر از روی فراموشی یا اکراه یا جهل به حرمت مرتکب مفسد شود اعتکافش باطل و نیز منقطع نمی شود. و نیاز به تجدید نیت ندارد، و معتکف تنها مدتی را که در خارج مسجد سپری کرده است جبران می نماید.

۲- مالکیان عقیده دارند اگر خروج از مسجد برای مصلحت ضروری باشد مانند خرید غذا و آب و یا قضای حاجت اعتکاف باطل نمی شود و اما اگر خروج به خاطر غیر نیازهای ضروری باشد مانند عیادت مریض و نماز جمعه و یا ادای شهادت اعتکاف باطل می شود و اگر خروج واجب شرعی باشد و در معتکف بماند تنها گناهکار است، ولی اعتکاف باطل نمی شود. و اگر بخاطر عذر شرعی مانند حیض و نفاس بیرون آید اعتکاف نیز باطل نمی شود و اگر در اثنای اعتکاف به ایام عید فطر و قربان برخورد نماید که روزه در آن صحیح نیست نیز باید در مسجد باقی بماند و بقیه ایام اعتکاف نذری یا مستحبی خود را به پایان برد.

۳- حنبلیان می گویند خروج عمدی از مسجد بدون عذر شرعی یا طبیعی مبطل اعتکاف و خروج سهوی یا با عذر شرعی یا عرفی مبطل اعتکاف نیست ولی برگشت سریع به معتکف مستحب است .

۴- حنفیان گویند اگر اعتکاف مستحبی باشد خروج از مسجد اگر چه بدون عذر و عمدی باشد اشکالی ندارد و اگر مجددا برگردد و با نیت اعتکاف گذشته را ادامه دهد اجرش را خواهد برد و اگر واجب و بدون عذر باشد گناهکار بوده و هر آنچه انجام گرفته نیز باطل است . چون اگر اعتکاف واجب به نذر باشد یا عذر طبیعی یا شرعی و یا عقلی باشد

بشرطیکه فوراً در مسجد دیگر نیت اعتکاف نماید باطل نیست و اگر خروج بدون عذر باشد مطلقاً باطل است چه شب باشد و چه روز و چه عمدی و چه از روی فراموشی. (الجزیری، الفقه علی المذهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۳۳-۵۳۴)

یادآوری می شود که از دیدگاه فقیهان امامیه نیازهای ضروری شخصی تنها مجوز خروج از مسجد نیست بلکه در روایات ما رفع نیازها و قضای حاجت مومنان نسبت به اعتکاف از اهمیت بیشتری برخوردار است.

چنانکه از ابن عباس روایت شده است که امام حسن مجتبی (ع) در مسجد الحرام معتکف بود و برای ادای وام مؤمنی طواف کعبه را قطع و از مسجد بیرون رفت. ابن عباس عرض کرد: یا بن رسول الله انسیت انک معتکف؟ ای پسر پیامبر خدا (ص) آیا فراموش کردی معتکف هستی؟ حضرت در پاسخ فرمود: نه ولیکن از پدرم شنیدم که فرمود از پیامبر خدا (ص) شنیدم که فرمود: «من قضی اخاه المؤمن حاجة کان کمن عبدالله تسعة الالف سنة صائماً نهاره قائماً ليله» (مجلسی، بحار ج ۹۷، ص ۱۲۹ نقل از عده الداعی، همان ج ۶؛ نجفی، جواهر، ج ۱۷، ص ۱۷۷) هرکس حاجتی از برادر مومنش بر آورد مانند کسی است که نه هزار سال عبادت کرده باشد در حالیکه روزها را روزه و شبها را به نماز مشغول باشد.

در روایت دیگری آمده که امام مجتبی (ع) از متقاضی پرداخت وام پرسید آیا به نزد برادرم حسین (ع) نرفتی؟ عرض کرد حاجتم را به او نیز گفتم. ولی حضرت فرمود: من معتکفم، امام دوم فرمود: «اما انه لوسعی فی حاجتک کان خیراله من اعتکاف ثلاثین سنة.» (مجلسی، همان) اگر آن حضرت برای برآوردن نیازت براه می افتاد برای او بهتر از سی سال اعتکاف بود.

گرچه به ظاهر در رفتار این دو امام بزرگوار تعارض آشکار وجود دارد. اما به نظر می آید که امام حسین (ع) عذر دیگری داشته که برای سائل اظهار نفرمود، و یا به احترام برادر بزرگترش با و پاسخ مثبت نداد، تا امامت آن حضرت در بین مردم تثبیت شود، و یا سائل را به امام مجتبی (ع) ارجاع داد تا آن حضرت از فضیلت و ثواب قضای حاجت برخوردار شود، و یا عمل این دو امام بیانگر آنست که در اینگونه موارد معتکف محیر میان قطع و ادامه اعتکاف می باشد.

شرائط ورود به اردوگاه یا صحت اعتکاف

افزون بر شرائط عمومی تکلیف یعنی بلوغ شرعی، عقل و توانائی و مسلمان بودن و ملازمت بر سکونت در مسجد جامع هر شهر که شرط صحت و درستی اعتکاف است، و اعتقاد به ولایت ائمه معصومین (ع) و ایمان صحیح و اخلاص و تقوی از دیدگاه امامیه که شرط کمال و پذیرش و قبولی تمامی مراسم عبادی است. فقیهان مسلمان برای درستی اعتکاف در مسجد واحد، شرائط زیر را یادآوری کرده اند:

۱- انگیزه الهی و نیت برای اعتکاف و قصد قربت در آغاز آن و نیز استمرار نیت؛ که شافعیان و مالکیان آن را رکن و جزء اصلی ماهیت اعتکاف دانسته اند. اما حنبلیان و حنفیان همانند وضو در نماز نیت را شرط صحت اعتکاف می دانند. (الجزیری، الفقه المذهب الاربعه، ج ۱ ص ۵۵۰)

امامیان نیز اصل نیت و قصد قربت را شرط صحت اعتکاف می دانند و تعیین نوع آن را در صورتیکه متعدد باشد لازم دانسته اند. ولی تعیین جهت اعتکاف یعنی وجوبی و ندبی بودن آن را واجب نمی دانند و اگر

معتکف در نیت وجوب و مستحبی بودن آن اشتباه نماید اعتکاف درست است، که معیار اصلی قصد قربت است. و به فتوای مشهور امامیه عدول از نیت اعتکاف به نیت دیگر چه هر دو واجب باشند یا مستحب، یا مختلف، جایز نیست و نیز عدول از نیابت میتی، به نیابت میتی دیگر روا نیست، مگر اینکه اعتکاف نیابتی از میت را نیت واجب کرده باشد ولی بعداً معلوم شود که واجب نبود که اقوی در این صورت جواز عدول از واجب به مستحب می‌باشد. (نجفی، جواهر الکلام ج ۱۷ ص ۱۶۴؛ طباطبائی یزدی، عروه الوثقی، ج ۳ ص ۶۶۸ - ۶۶۹)

۲- روزه داری؛ امامیان به اتفاق آراء به خاطر اینکه دستور اعتکاف در آیه و سیاق احکام صیام آمده، و نیز روایات رسیده در این باب، روزه گرفتن در ایام اعتکاف را [چه مستحب باشد و چه واجب رمضان یا کفاره آن] شرط صحت اعتکاف می‌دانند و صاحب جواهر بر این حکم ادعای اجماع بر دو قسم [محصل و منقول متواتر یا واحد] نموده است. حتی شخص می‌تواند در سفر نماید و با آن روزه اعتکافش درست است.

حنبلیان و مالکیان با امامیه در این مسأله هم رای می‌باشند و تفاوتی در شرط صحت بودن روزه میان اعتکاف نذری و تطوعی قائل نیستند و شافعیان اعتکاف همراه با روزه را افضل می‌دانند.

اما حنفیان روزه داری را در اعتکاف واجب منذور، شرط درستی می‌دانند و در تطوع و مستحبی روزه را به نظر راجح شرط نمی‌دانند. چنانکه جصاص در احکام القرآن، ج ۱، ص ۲۸۸ می‌نویسد: اعتکاف از عناوین شرعی است و هر یک از اسامی که چنین باشد مجمل بوده و نیاز به بیان شارع دارد.

بنابراین هر عملی که پیامبر در اعتکافش بجا آورد بیان بشمار می آید و هر فعل نبی که در مقام بیان از ایشان سرزند باید حمل بر وجوب شود، علاوه از حضرت علی(ع) و عایشه روایت نمود که: «لا اعتکاف الا بصوم و لا اعتکاف الا فی مسجد جامع» (شوکانی، نیل الاوطار، ج ۴، ص ۲۶۷) اعتکافی بدون روزه و نیز مسجد جامع، وجود ندارد و نیز پیامبر (ص) در پاسخ عمر که از حکم اعتکاف پرسیده بود فرمود: «اعتکف و صم» و امر پیامبر (ص) دال بر وجوب است و برخی روایات مزبور را حمل بر نفی کمال و استنجاب کرده و قائل به مخیر بودن معتکف در روزه داری شده‌اند.

چنانکه عارف کامل سید بن طاووس در «اقبال الاعمال» ص ۹۵ می‌نویسد: «بدان کمال اعتکاف به این است که عقول و قلوب و جوارح تنها بر عمل صالح واقع شوند و انسان آنها را فقط در درگاه احدیت محبوس سازد و از آنچه باعث از بین بردن کمال روزه می‌شود دوری کند و علاوه بر مواظبت بر ادای وظیفه روزه‌داری باید مراقب وظیفه اعتکاف خود نیز بوده باشد. و اگر معتکف خطورات خودش را در مسیر غیر خدا قرار دهد حقیقت کمال اعتکاف خود را به اندازه آنچه از معبود غافل شده و سهل انگاری کرده فاسد ساخته است.»

بنابراین اعتکاف جز از کسیکه روزه از او صحیح باشد صحیح نیست و اگر معتکف در سفر یا در حال جنابت و حیض و نفاس بسربرد اعتکافش درست نمی‌باشد. (همان، ج ۳، ص ۶۶۹. و نیز ج ۱۷، ص ۱۶۴ - ۱۶۶؛ طباطبائی یزدی، احمد، آیات الاحکام ج ۱، ص ۳۳۹، الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱، ص ۵۵۲؛ جصاص، احکام القرآن ج ۱، ص ۲۸۵؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن ج ۲، ص ۳۱۳)

به فتوای مشهور امامیه اگر روزهایی که روزه در آن حرام است در استمرار اعتکاف اخلاص ایجاد کند، معتکف باید پس از عید فطر یا قربان از نو، نیت اعتکاف قضا نماید و سه روز را به پایان برد، و ادامه اعتکاف متمم روزه های قبل بشمار نمی آید. (طباطبائی یزدی، عروه الوثقی ج ۳ ص ۶۷۰؛ جواهر الکلام ج ۱۷ ص ۱۷۰ - ۱۹۰)

۳- اذن ولی شرعی معتکف؛ که مشهور امامیان و اهل سنت، اجازه قبلی بلکه مانع نشدن مولا را نسبت به بردگان و رضایت والدین را نسبت به فرزندان، و اذن مستاجر را نسبت به اجیر خاص و اجازه شوهر را نسبت به زن، شرط صحت اعتکاف مستحبی می دانند. چون اعتکاف با حقوق اولیا مزاحمت دارد، و موجب ایذاء آنان است ولی حنفیان و مالکیان و شافعیان اعتکاف زن بدون اذن شوهر را گرچه منذور باشد مکروه و زن را گناهکار ولی صحیح می دانند. (طباطبائی یزدی، عروه الوثقی، ج ۱۷ ص ۶۷۲ - ۶۷۳؛ الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱ ص ۵۵۲؛ نجفی، جواهر الکلام ج ۱۷، ص ۱۷۵ - ۱۷۶)

۴- طهارت؛ از حدث و آلودگی معنوی: جنابت، حیض و نفاس، که فقیهان ما به خاطر شرط اقامت در مسجد و وجوب مطلق روزه بر معتکف به هر عنوان که باشد، مطلقاً شرط صحت اعتکاف می دانند.

اما حنفیان و مالکیان جنب نبودن را شرط حلیت اقامت در مسجد می دانند نه صحت اعتکاف، ولی مالکیان خلو از حیض و نفاس زنان را همانند امامیان مطلقاً شرط صحت اعتکاف می دانند، چون مبطل روزه هستند، اما حنفیان در اعتکاف با روزه واجب، حیض و نفاس را مبطل اعتکاف می دانند. ولی در اعتکاف مسنون و مستحبی جریان خون حیض یا نفاس را مفسد اعتکاف نمی دانند. (طباطبائی یزدی، عروه الوثقی ج ۳

ص ۶۷۰ - ۶۷۷؛ نجفی جواهر الکلام ج ۱۷ ص ۱۶۶ - ۱۶۸ - ۱۹۰؛
الجزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۵۴۲ - ۵۵۲)

۵- رعایت دوره سه روزه؛ امامیان سه روز بودن اعتکاف را نیز شرط
صحت می دانند و به اجماع فقها اگر کسی نذر اعتکاف نماید و زمان آن
را تعیین ننماید واجب است دست کم سه روز و دوشب در مسجد معتکف
شود و مقصود از روز در لغت و عرف از طلوع فجر صادق تا غروب و
ناپدید شدن سرخی سمت مشرق است. بنابراین شب اول و شب چهارم
جزء دوره اعتکاف به شمار نمی آید.

حتی اگر نذر اعتکاف یک روزه نماید و قید نماید که بیشتر نشود نذرش
باطل و اگر مطلق گذارد باید سه روز اعتکاف نماید.

۶- مشهور امامیان و جمهور سنیان، استمرار لبث و پیوسته ماندن در
یک مسجد را در حال اختیار، رکن اعتکاف و مباح بودن مکان اعتکاف را
شرط درستی آن می دانند، که در موارد وجوب خروج از مسجد نظیر حفظ
جان، مال و آبروی مؤمن و یا حال جنابت، استحاضه و نفاس و یا غصبی
بودن فرش و محل اعتکاف، لبث و درنگ کردن در معتکف حرام و مبطل
اعتکاف خواهد بود. و نیز ابن جزئی مالکی اشتغال به عبادت: نماز، تلاوت
قرآن، ذکر زبانی و فکر قلبی را به قدر استطاعت شرط صحت دانسته
است، ولی خروج اضطراری، اکراهی و ناسی مبطل اعتکاف نیست.
(نجفی، همان، ص ۱۸۷؛ زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۳، صص ۱۷۶۱ -
۱۷۷۱)

مقررات تنبیهی یا مبطلات اعتکاف

به اتفاق آراء ارتداد و برگشتن از اسلام از روی عناد و انکار ضروریات
دین از روی لجبازی، و زوال عقل (دیوانگی، مستی، بیهوشی) در اثنای

اعتکاف، و خروج غیر اضطراری، از معتکف و جماع و آمیزش به کلی، و نیز ارتکاب عمدی گناه کبیره چون دروغ و افترا بستن به معصومان(ع) را در شب و روز ایام اعتکاف مبطل اعتکاف، و در صورت وجوب افساد آن موجب قضا می دانند.

حنفیان به استناد آیه: **قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ**. (انفال/۳۸) و حدیث معروف: «الاسلام یجب ما قبله.» به سقوط قضای اعتکاف مرتد رای داده اند، که درست نمی باشد.

همچنین امامیان به کلی ارتکاب مفطرات روزه را در روزهای اعتکاف، چون: خوردن، آشامیدن، استمنا و خود ارضائی و استفراغ و شیاف به مایع از روی عمد، مبطل و بی اثر کننده اعتکاف می دانند. اگرچه مذاهب اربعه بقای بر حالت جنابت و حیض نفاس بدون غسل را تا طلوع فجر روز بعد از روی عمد با سهو مبطل روزه ندانسته اند. (اوحیب ، سعدی، موسوعه الاجماع ج ۲ ص ۷۴۲ - ۷۴۳؛ الجزیری ، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱ ص ۵۵۲) و اشتغال به غیر ذکر و قرائت قرآن و استغفار و صلوات بر پیامبر(ص) و تحمید و تسبیح و تهلیل و نماز و دعا حتی آموزش علوم جز احکام شرعی را در حال اعتکاف مکروه می دانند. چون مقصود اصلی از اعتکاف ریاضت و تمرین عبودیت و بندگی است.

به اظهار صاحب جواهر از نظر امامیه بوئیدن گیاهان خوشبو، و خرید و فروش و اشتغال به کارهای هنری و صنعتی جز در موارد ناچاری و نیز مجادله(دهان به دهان کردن) و بحث پیرامون امور دنیوی و مسائل دینی با انگیزه اثبات فضیلت و غلبه بر دیگری نه حقیقت جویی و هرگونه کامجویی و شهوترانی نظیر آمیزش، لمس و بوسیدن همسر، در شبانه روز بر معتکف حرام است. (نجفی ، جواهر الکلام ج ۱۷ ، ص ۲۰۱ - ۲۰۴) و نیز ماندن در مکان و روی فرش غصبی حرام و مبطل اعتکاف خواهد

بود ولی پوشاک غصبی مبطل اعتکاف نمی باشد. (طباطبائی زدی ، عروه الوثقی ج ۳ ص ۶۷۷ - ۶۸۹)

بنابراین اعتکاف در اسلام یک عبادت فردی شبانه روزی و بریدن از لذائذ دنیوی و پناه بردن به خدا در خلوت انس است و چون شرط صحت آن روزه داری است و در اصول ثابت شده که مشروط با عدم وجود شرط باطل و منتفی است (اذا انتفی الشرط انتفی المشروط) می توان این ضابطه کلی را بیان نمود: «کل ما یفسد الصوم یفسد الاعتکاف» هر کاری که روزه را باطل می سازد اعتکاف را نیز تباه و بی اثر می سازد.

مالکیان و حنفیان نیز همانند امامیان این قاعده را قبول دارند. و اعاده یا قضای آن در وقت یا خارج وقت تعیین شده تابع وجوب یا استحباب اعتکاف می باشد، اگر واجب باشد اعاده در وقت باقیمانده و قضا در خارج آن واجب است. و اگر اعتکاف مستحبی باشد و پیش از پایان روز دوم ابطال و افساد اعتکاف رخ داده باشد، اعاده لازم نیست و کفاره نیز ندارد. «لان حکم الفرع لا یزید الاصل» چون حکم فرع سنگین تر از اصل نمی باشد.

ولی اگر بطلان و فساد اعتکاف مستحبی در پایان روز دوم باشد به خاطر وجوب اعتکاف روز سوم اعاده واجب خواهد بود. اگر شخص به هنگام نذر یا نیت اعتکاف شرط خروج از حالت اعتکاف به عروض حادثه کرده باشد هر زمان که از اعتکاف بیرون رود قضا و اعاده ندارد. اگر افساد با جماع و آمیزش در شب باشد یک کفاره و در روز دو کفاره خواهد داشت و به عقیده اکثر امامیان کفاره اعتکاف کفاره مخیره روزه است که همان آزادی برده یا اطعام شصت مسکین و یا شصت روز روزه گرفتن است. ولی ارتکاب دیگر محرمات اعتکاف موجب کفاره نمی شود اگرچه احوط است.

چنانچه ابطال عمدی اعتکاف در روز ماه مبارک رمضان یا قضای روزه آن، با هر یک از مبطلات روزه باشد، بر طبق اصل تعدد مسیبات با تعدد سبب دو کفاره [افطار روزه و ابطال اعتکاف] دارد. و اگر افطار با حرام باشد کفاره جمع خواهد بود. اگر مرد زن را اجبار بر این کار کرده باشد کفاره زن را نیز شوهر عهده دار می باشد و اگر مرد معتکفه را به زنا اکراه کند ۱۲ کفاره بر مرد واجب می گردد. (مغنیه ، محمد جواد ، فقه الامام جعفر الصادق ج ۲ ص ۵۳ - ۵۶ ؛ نجفی ، جواهر الکلام ج ۱۷ ، ص ۲۰۷ - ۲۱۱ ؛ همان ج ۱۷ ص ۱۶۳ ، طباطبائی یزدی ، عروه الوثقی ج ۳ ص ۶۶۸ ؛ ابو حبیب سعیدی ، موسوعه الاجماع ج ۱ ص ۳۳۲ ؛ شیخ بهائی ، جامع عباسی ص ۱۱۰)

اعتکاف استحبابی به نیابت از مردگان به اتفاق آراء فقیهان مسلمان جائز و صحیح است، گرچه برخی از فقیهان امامیه همانند نیابت در طواف، اعتکاف نیابتی را برای زندگان نیز مشروع می دانند و احوط انجام نیابتی آن به قصد رجاء و امید به ثواب می باشد. (مجلسی اول ، محمد تقی ، فقه کامل فارسی ص ۶۲ - ۶۳)

البته با توجه به دعوت مکرر قرآن به تعقل و تفکر و منع از تقلید کورکورانه و بی دلیل از گذشتگان ، و بیان برخی از حکمت‌های احکام شرع انور در قرآن و بیان معصومین (ع) هرگز نباید از شناخت رازها و حکمت‌های احکام غفلت نمود.

چنانکه امیر مومنان حضرت علی (ع) در بیان فواید حضور در مساجد فرمود: «من اختلف الی المساجد اصاب احدی الثمان: ایا مستفادا فی الله، او علما مستطرفا، او رحمة منتظرة، او کلمة ترده، عن ردی او تدله علی هدی، او یتربک ذنبا خشية او حياء.» (دیلمی، اعلام الدین ص ۳۶۵ صدوق، ثواب الاعمال

ج ۱، ص ۴۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۱) هرکس به مساجد رفت و آمد نماید به یکی از موارد هشتگانه دست می یابد:

۱- برادر دینی بهره مند در راه خدا. ۲- دانشی نو و زبده. ۳- دلیلی محکم برای اثبات عقیده. ۴- رحمتی که چشم براهش بوده. ۵- سخنی که شخصی را از پستی باز گرداند. ۶- سخنی که او را به راه راست راهنمائی کند. ۷- رهائی از گناه از ترس خدا. ۸- ترک گناه بخاطر شرم از مردم.

که این حدیث شریف مسئولیت مدیران و خدمتگزاران در سنگر مساجد را سنگین می نماید تا بگونه ای مساجد را آماده نمایند و یا برنامه ریزی کنند که این آثار پر بار بر آن بار شود. نمازگزاران و حاضران در مساجد به ویژه معتکفان نیز باید به گونه ای عمل نمایند، که از برکات معنوی حضور آن محروم نشوند. چنانکه در حدیث دیگری امام علی (ع) در مقام بیان مکروهات اعتکاف، فرمود: «يلزم المعتكف المسجد و يلزم ذكر الله و التلاوة و الصلوة و لا يتحدث با حادث الدنيا و لا ينشد الشعر و لا يبيع و لا يشتري و لا يحضر جنازة و لا يعود مريضا و لا يدخل بيتا يخلوا مع امرأة و لا كلم برفث و لا يمارى احدا. و ما كف عن الكلام من الناس فهو خير له.» (مجلسی، بحار ج ۹۷، ۱۳۰؛ قاضی نعمان مصری، دعائم الاسلام، ج ۱ ص ۲۸۷) باید معتکف پایبند مسجد شود و پایبند به ذکر خدا و تلاوت قرآن و نماز می شود و در مسجد از دنیا سخن نمی گوید و شعر نمی خواند و کالائی نمی فروشد و نمی خرد و از مسجد بیرون نمی رود تا پای جنازه ای حاضر شود و یا از بیماری عیادت نماید، و در چهار دیواری با زنی خلوت نکند و از آمیزش سخن نگوید و با کسی جدل، مراء، مناظره و بحث ننماید و هر مقدار که از سخن گفتن با دیگران خودداری کند برای معتکف بهتر خواهد بود. البته این کارها بر معتکف

ممنوع است ولی از نظر فقهی حرام مفسد و مبطل اعتکاف نیست. (مجلسی اول ، محمد تقی ، فقه کامل فارسی ص ۶۲ ؛ زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۳، ص ۱۷۷) که امام کاظم (ع) فرمودند: «من حسن اسلام المرء ترک ما لا یعنیه.» حنبلیان و مالکیان برخلاف فتوای دیگران حتی اشتغال به آموزش قرآن، و تعلیم و تعلم علوم دینی را در حال اعتکاف نیز مکروه می دانند.

حکمت‌های احکام اعتکاف

چنانکه می‌دانیم در اسلام ضروری‌ترین وظیفه اخلاقی فرد خودسازی، تهذیب نفس از هواجس نفسانی، شهوات حیوانی و وسوسه‌های شیطانی است. نگاهی گذرا به آداب و احکام مزبور به روشنی اثبات می‌نماید که آئین اعتکاف یکی از جامعترین عبادات اسلامی است که با دعوتنامه خداوند مهربان در کتاب مقدس آسمانی و برنامه‌های متنوع تربیتی پیش بینی شده یعنی: نماز و روزه، قرائت قرآن و دعا و ذکر و ترک شهوات و لذات زودگذر دنیوی و مادی همانند حج همراه با حضور معتکفان در مساجد مقدس به ویژه مساجدی که نمازگزاران بیشتری دارد، در کنار مومنان عاشق خدا به منزله اردوگاه پرورشی موفقی است که شرکت کنندگان مومن آن در سراسر جهان اسلام، با دل‌کندن از وابستگی‌های مادی همراه با انجام شبانه روزی مراسم عبادی و دل‌سپردن به خلوت انس با معبود در خانه خدا به دور از دغدغه‌های روزمره زندگی و وسوسه‌های شیطانی، و پناه بردن به محیط عاری از گناه با هدف تمرین مقاومت جسمی و روحی در رویارویی با هوسهای نفسانی، به اجرای کامل مقررات اعتکاف متعهد می‌شوند و در آن فضای معنوی، از راه تلقین و تمرین و جایگزینی عادات خوب به جای عادات ناپسند و تقویت

بنیه اعتقادی و روحیه تعبد با تدبر و ژرف اندیشی در آیات قرآن و تکرار اذکار مستحبی، زمینه خود سازی و پرورش فضائل اخلاقی و خصائل انسانی را در خود فراهم می آورند.

چه اینکه اعتکاف در بالندگی حیات معنوی انسان به ویژه جوانان و نوجوانان، همانند داروی مولتی ویتامین که در تأمین سلامتی تن آدمی نقش تعیین کننده حیاتی دارد. در حفظ سلامت روان آدمی بسیار مؤثر است. چون معتکف در فرصت اعتکاف با روزه داری و اقامه نماز با جماعت در اول وقت و زمزمه دعا و مناجات و قرائت قرآن و استغفار با خلوص نیت گویا بهترین راه سلوک عرفانی و مؤثرترین کارگاه مشارطه، مراقبه و محاسبه نفس را پشت سر می گذارد. آن هم در مسجد جامع نه مسجد بازار و محله و قبیله و بیابان و در جمع با صفای معتکفان و نمازگزاران دیگر، و دوری از رهبانیت ساختگی مسیحیت و عزلت و گوشه نشینی صوفی نمایان مسلمان [که تنها بر مردم گریزی و دنیا ستیزی استوار است] بهترین نوع ریاضت و سازنده ترین روش سلوک را در متن اجتماع با رعایت اصل اعتدال و انتخاب خویش در پیش می گیرد. معتکفان میانسال، بزرگسال، باحضور فعال خود، در این اردوگاه پرورشی یکی از بهترین فرصتها برای جبران گناهان گذشته را بدست می آورند. تا با توبه حقیقی و انابه و توجه کامل به خدا [که نقش درمانی آن همانند سرم، برای اینگونه بیماران اورژانسی، نقش فوری دارند] بار دیگر بازگشت به فطرت پاک الهی را تجربه و همای سعادت را در آغوش می گیرند.

باری معتکفان واقعی با پناه بردن به خدا در مساجد و محیط سالم معنوی در جمع معتکفان مخلص آن هم در خلوت انس و راز و نیاز با معبود حقیقی همانند پژوهشگر و محقق پر کار و حقیقت طلب که بدون

توجه به اطرافیان و رفت و آمد دیگران، در سالن عمومی کتابخانه به تنهایی مطالعه می کند. و بر معلومات خویش می افزاید، معرفت دینی خود را بالا می برند، و اینگونه معتکفان در بهترین زمانها به ویژه در شبهای قدر و ایام البیض ماههای رجب و شعبان و رمضان المبارک و بریدن از جهان طبیعت و مبارزه با هوای نفس اماره و پیوستن به ماورای طبیعت و تمرین عبودیت به بیشترین انرژی مثبت معنوی دست می یابند.

چون ایشان با کمترین ریاضت یعنی تحمل اختیاری فشار بر جسم و پذیرش سختیها با کاستن از خواب و خوراک و چشم پوشی از دلخوشیها و تعینات ظاهری و افزودن بر اشتغالات معنوی در فرصت معین و محدود از آثار و فوائد بیشماری بهره مند می شوند که هرگز راهبان و ترسایان بیابان نشین و خانقاه نشینان یا درویشان زاویه نشین، پس از یک عمر گوشه نشینی و ریاضت و تحمل سختیها به آن دست نخواهند یافت.

چرا که از نظر مربیان پرورشی و عارفان حقیقی در تربیت و رشد واقعی انسانها نفس اماره و روح حیوانی آدمی قطب منفی و ویرانگر شخصیت آدمی است. و قوای عقلانی و روح انسانی قطب مثبت و سازنده وجود بشری است و به عقیده روانشناسان و کارشناسان علوم تربیتی شرقی و غربی نقش و تاثیر محیط خوب یا بد در کنار تعلیم و تربیت و وراثت مثبت یا منفی در ساختار شخصیت نوع انسان نقش تعیین کننده ای دارد. و بسیاری از چالشها و مشکلاتی که دامنگیر بشر امروز شده است. ریشه در ضعف ایمان مذهبی، گرایش افراطی به لذائذ مادی، رفاه طلبی، و خودبینی و خودپرستی افراد غافل از یاد خدا و قیامت دارد که تنها راه حل واقعی و درمان جدی آن رو آوردن به جهان معنویت در سایه عبادت و پرستش خداست.

بنابراین تقویت معنویت با استفاده از اینگونه فضاهای کم هزینه پرورشی و جایگزینی خداپرستی به جای خودپرستی و هواپرستی، و جهاد دائمی با نفس در اوضاع کنونی، جهان وظیفه عمومی ملتها و دولتها می باشد. بلکه از دیدگاه شرع انور یک واجب عینی و بهترین وسیله برای عروج به سوی کمال انسانی است.

چنانکه در حدیث نبوی مشهور آمده: «جاهدوا اهلوائکم تملکوا انفسکم.» با خواهشهای نفسانی خویش نبرد کنید تا بر خود طبیعی مسلط شوید. و نیز امیرمومنان علی (ع) فرمود: «جاهدوا اهلوائکم کما تجاهدون اعدائکم.» با دشمنان درونی خود مبارزه کنید همانگونه که با دشمنان خارجی خود پیکار می کنید. به همین دلیل جمهور اهل سنت ارتکاب گناه کبیره را قطع کننده اعتکاف و مبطل آن می دانند. (شرح بدایه المجتهد؛ ج ۲، ص ۷۷۷)

آری تحت کنترل در آوردن غرائز جانوری، و بی توجهی به امیال شهوانی، و خواسته ها و انگیزه های شیطانی به ویژه در دوران جوانی، مهمترین هنر و مهارت زندگی است چنانکه پیامبر اعظم (ص) فرمود: «اشجع الناس من غلب هواه.» (پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ش ۲۹۹) قهرمانترین مردمان کسی است که بر خواهش نفس خویش چیره گردد. و این روش پرورشی همانست که در لسان حضرت محمد (ص) امین وحی الهی تعبیر به جهاد اکبر شده است.

حذر از پیروی نفس که در راه خدا مردم افکن تر از این غول بیابانی

نیست

از اینرو با جرات می توان گفت: حکمت اصلی اعتکاف همان هدف غائی تمامی عبادات اسلامی است، که تکامل آدمی در پرتو پرورش ملکه تقوی، و تسلط شخص بر نفس و کنترل غرائز حیوانی و احیای روحیه تسلیم و عبودیت در برابر اوامر و نواهی الهی، می باشد، که سرمایه سعادت و

کمال آدمی در دو سراسر است، چنانکه خداوند حکیم آفریدگار انسان و جهان در آیه ۱۸۷ سوره بقره در ضمن دستور به اعتکاف فرمود: ... تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ. این احکام مرزهای الهی است پس به این مرزها نزدیک نشوید این چنین خداوند آیاتش را برای عموم مردم به روشنی بیان می کند باشد که آنان پرهیزگار شوند. (صابونی، تفسیر روایع البیان فی تفسیر، تغییر آیات الاحکام ج ۱، ص ۲۱۵) و قرآن در بیان فلسفه وجوب قربانی در حج فرمود: لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ... (حج/۳۷) هرگز گوشت و خون قربانیها به خدا نمی رسد ولیکن نتیجه این کار که همان تقوا و پرهیزکاری شماس است که او را خرسند می سازد. و درباره روزه نیز فرمود: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (بقره/۱۸۳) هان ای مومنان! بر شما روزه مقرر شد همانگونه که بر کسانی که پیش از شما بودند واجب بود. باشد که پرهیزگار شوید. اگر چه پزشکان فوائد بهداشتی فراوانی برای روزه داری بیان کرده اند و روزه را بهترین روش پیشگیری از بیماریها و برگزین وسیله درمان و مؤثرترین دارو برای جسم بیماران می دانند.

چنانکه آلکسی سوفورین روسی در اثر علمی خود که به وسیله محمد جعفر امامی با عنوان: «روزه روش نوین برای درمان بیماریها» ترجمه و منتشر شده آثار معجزآسای روزه را در درمان انواع بیماریهای جسمی نظیر چاقی، قند، چربی خون و... به تفصیل آورده است که طالبان می توانند به آن مراجعه نمایند.

در حالیکه در این آیه خداوند هدف اصلی وجوب روزه را پرورش روان و تقویت روحیه مقاومت و صبر و مبارزه با شهوات و تعدیل کنترل غرائز حیوانی و در یک کلمه تقوی و خدا محوری معرفی نموده

است و فرمود: «لعلکم تتالمون یا تجوعون یا تصلحون» شاید که درد بکشید یا گرسنه شوید یا سلامتی یابید، بلکه فرمود: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» و در سه جای کتاب آسمانی با جمله: «الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/۱۲۸، هود/۴۹، قصص/۸۳) سر انجام نیک را در دنیا و آخرت از آن تنها گروه پرهیزگاران معرفی می‌نماید. آنهم کسانی که دارای تقوای ستیزنده، نه تقوای گریز و کناره‌گیری از مسئولیتهای فردی و اجتماعی!

همین روحیه تقوا و پرهیزگاریست که عامل تهذیب نفس و تصفیه باطن و خودسازی و خودکنترلی و مراقبت بر افعال و اقوال و احساس مسئولیت شخص در برابر خدا و پرهیز و دوری از گناه و تخلف می‌باشد و موجب تقویت اراده و احساس وظیفه در برابر گرسنگان و محرومان و ابراز همدردی با هموعان در معتکفان روزه دار و نمازگزاران با اخلاص می‌شود، به گونه ای که برای معتکفان حقیقی در لحظات آخر جدا شدن از این محفل انس معنوی بسیار دشوار است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اعتکاف، به عنوان یک مراسم عبادی جامع، یکی از بهترین و جامعترین روشهای تصعید تکاملی است. که روانشناسان کمال‌گرای معاصر از آن سخن می‌گویند زیرا مهمترین جوهره اعتکاف را همان ذکر خدا تشکیل می‌دهد که دینامیک حیات معنوی و مادی و صفا بخش دل به شمار می‌آید. و ذکر حقیقی کار سازترین وسیله احیای اصالت انسانی در پرتو یاد خدا [که امری قلبی است] به همراه تکبیر و تحمید و تهلیل و تسبیح و قرائت و تشهد و صلوات و اعمال ام داوود که ذکر لفظی و نماد ذکر حقیقی است؛ فرصت مناسبی برای تقویت روح بندگی در پرتوی نورانیت قلب آدمی است. و انتخاب ایام البیض با توجه به مناسبت‌های تاریخی آن مانند: تغییر قبله مسلمانان از بیت المقدس به سوی کعبه، ولادت حضرت امیرمؤمنان

علی(ع) درون خانه خدا، ازدواج آن حضرت با سرور زنان جهان حضرت فاطمه(س)، درگذشت حضرت زینب(س) پیام خاص خود را دارد.

معتکفان افزون بر بهره مندی از برکات روزه داری از حکمت‌های اصلی نماز جماعت نیز برخوردارند که: تمرین مقابله با مشکلات و حوادث ناخوشایند زندگی، و پیشگیری از کجروی و فساد و تباهی اخلاقی در زندگی شخصی و اجتماعی، اغتنام فرصت و بهره‌وری و رعایت نظم و انضباط اجتماعی و بهره‌مندی از ثواب و پاداش اخروی و کسب محبوبیت و جلب اعتماد عمومی و رهائی از اضطراب و نگرانی که سرچشمه بسیاری از بیماری‌های جسمی در عصر کنونی است.

همچنین تقویت روحیه امید به آینده و عزم و اراده عمومی بر ایثار و احسان نسبت به دیگران و احساس پیروزی و رستگاری از برکات مهم این عبادت فردی است. که یکی از احکام شرعی آن اقامه نماز جماعت در مسجد جامع است که نقش آن در ایجاد انس و الفت و و صمیمیت در بین مردم و وحدت و یکپارچگی و اقتدار امت اسلامی انکار ناپذیر است. که اگر امروزه این اردوگاه پرورشی که هدف اصلی آن: تطهیر باطن، تزکیه نفس و تهذیب اخلاق و تکامل شخصیت انسانی در پرتو عبادات اسلامی، و یا گذراندن اوقات فراغت همراه با سلامت است. از سوی رهبران جامعه بشری جدی گرفته شود ما در زمان کوتاهی شاهد موفقیت‌های چشمگیری در جهت تامین امنیت روانی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی، در جهان خواهیم بود. و همگان خواهند دید که مراکز آموزشی جایگزین زندانها و سلاح‌های کشنده به ابزارهای سازنده بویژه قلم و کتابهای آموزنده تبدیل شده است.

یادسپاری: گرچه آگاهی به فلسفه احکام و نتایج کار در اجرای دستورات عبادی بسیار تأثیر گذار است ، ولی نیابد فراموش کرد که

فرامین الهی گاهی برای آزمودن و ابراز روح تسلیم و عبودیت بنده است و به اصطلاح از اوامر امتحانیه می باشد. چنانکه گاهی پیمودن راه هموار، با هدف رسیدن به مقصد معلوم و مشخص نیست، بلکه مقصود خود سلوک و راهپیمائی است، و به اصطلاح مصلحت سلوکیه دارد. همانگونه که هدف اصلی تمرینهای ورزشی دو و میدانی سلامت تن و پرورش بدنی است غایت و هدف نهائی عبادات اسلامی سلامت نفس و پرورش روان آدمی است.

از این رو در برخورد با حکمتهای عبادات تنها نباید به بعد مادی، اقتصادی اجتماعی و بهداشتی آن بسنده کرد. بلکه از آثار و فوائد روحی، عرفانی و معنوی آن نباید غافل بود، تا اگر حکمت و فلسفه عملی به خاطر ضعف عقلی و کمبود اطلاعات علمی معلوم بشر نگردد. برای افراد ضعیف الایمان مجوزی برای تخلف از دستورات آفریدگار حکیم خبیر مهربان تلقی نگردد. وگرنه متخلف ناآگاه همانند بیماری است که به دلیل عدم آگاهی از خواص دارو از مصرف آن خودداری کند که نتیجه آن استمرار بیماری شخصی و محرومیت از زندگی است.

مشهد الرضا(ع)؛ سید رضا موسوی

۱۸ خردادماه ۱۳۸۷

کتابنامه

۱. قرآن کریم ، وحی الهی ترجمه مکارم شیرازی ، قم ، الهاوی ۱۳۸۲.
۲. نهج البلاغه ، امام علی (ع) تحقیق صبحی الصالح، قم ، دارالهجره ۱۴۰۷ ق .
۳. احکام اعتکاف، محمد حسین فلاحزاده، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵ ق.
۴. احکام قرآن، محمد خزائلی ، تهران ، انتشارات جاویدان ، ۱۳۶۱ .
۵. اعلام الدین فی صفات المومنین، حسن بن علی دیلمی ، قم ، آل بیت ، ۱۴۱۴ ق .
۶. بحار الانوار ، محمد باقر مجلسی ، بیروت داراحیاء ، التراث العربی ، ۱۴۰۳ ق .
۷. تحریر الوسیلة ، امام خمینی، روح الله موسوی، نجف، مطبعه الآداب.
۸. تفسیر آیات الاحکام ، احمد طباطبائی یزدی ، عراق ، مطبعه النجف، ۱۳۸۵ ق .
۹. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی ، محمد ، بیروت ، دار صعب ، ۱۴۰۷ ق .
۱۰. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ، شیخ صدوق ، محمد ، قم نشر الرضی ، ۱۹۸۶ م .
۱۱. جامع عباسی ، شیخ بهائی ، محمد ، تهران ، انتشارات فراهانی ، بی تا .
۱۲. الجامع لاحکام القرآن ، محمد بن احمد قرطبی ، بیروت دار احیاء التراث العربی.
۱۳. جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.

١٤. دعائم الاسلام ، قاضى نعمان ، محمد تميمى، دارالمعارف ، مصر ،
١٣٧٩ ق .
١٥. روايع البيان فى تفسير آيات الاحكام ، محمد على صابونى ،
بيروت ، مناهل العرفان ، ١٤٠٠ ق .
١٦. رياض الصالحين ، يحيى بن شرف الدين نووى ، بيروت ، دار
المعرفه ، ١٤١١ ق .
١٧. شرح بداية المجتهد و نهاية المقتصد، عبدالله العبادى ، القاهره ،
دارالسلام ، ١٤١٦ ق .
١٨. صحيح البخارى ، محمد بن اسماعيل بخارى ، بيروت ، دارالجبل ،
١٣١٣ ق .
١٩. صحيح مسلم بشرح النووي ، مسلم بن حجاج نيشابورى ، بيروت
، دار احياى التراث العربى ١٤٠٤ ق .
٢٠. العروة الوثقى ، محمد كاظم طباطبائى يزدى، قم ، مؤسسه النشر
الاسلامى ، ١٤٢٤ ق .
٢١. الفقه الاسلامى و ادلته، وهبه زحيلي، بيروت، دارالفكر، ١٤٢٥ ق.
٢٢. فقه الامام جعفر الصادق (ع) محمد جواد مغنبيه ، بيروت ،
دارالجواد ، ١٤٠٤ ق .
٢٣. الفقه على المذاهب الاربعه ، الجزيرى ، عبدالرحمن ، بيروت ،
دارالفكر ، ١٤١٧ ق .
٢٤. فقه كامل فارسى ، محمد تقى مجلسى ، تهران ، فراهانى، ١٤٠٠ ق .
٢٥. قلائد الدرر ، احمد جزايرى ، نجف ، مكتبه النجاح .
٢٦. الكافى ، كلينى ، محمد بن يعقوب ، بيروت ، دار صعب ، ١٤٠١ ق .
٢٧. الكشف، زمخشري، جادالله، محمود بن عمر، بيروت، دارالكتاب
العربى، ١٣٦٦ ق .

٢٨. كنز الدقايق ، محمد مشهدى ، تهران ، وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامى ، ١٣٦٦ .
٢٩. مرآة العقول، محمد باقر مجلسى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٤ ق.
٣٠. من لا يحضره الفقيه ، شيخ صدوق ، محمد بن على ، بيروت ، دارصعب ، ١٤٠١ ق .
٣١. موسوعة الاجماع فى الفقه الاسلامى ، سعدى ، ابو حبيب ، بيروت ، دارالفكر ، ١٤١٨ ق .
٣٢. نهج الفصاحة (مترجم) ابوالقاسم پاينده ، انتشارات جاويدان، ١٣٦١ .
٣٣. وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة ، حر عاملى ، بيروت، دار احياء التراث العربى ١٤٠٣ ق .